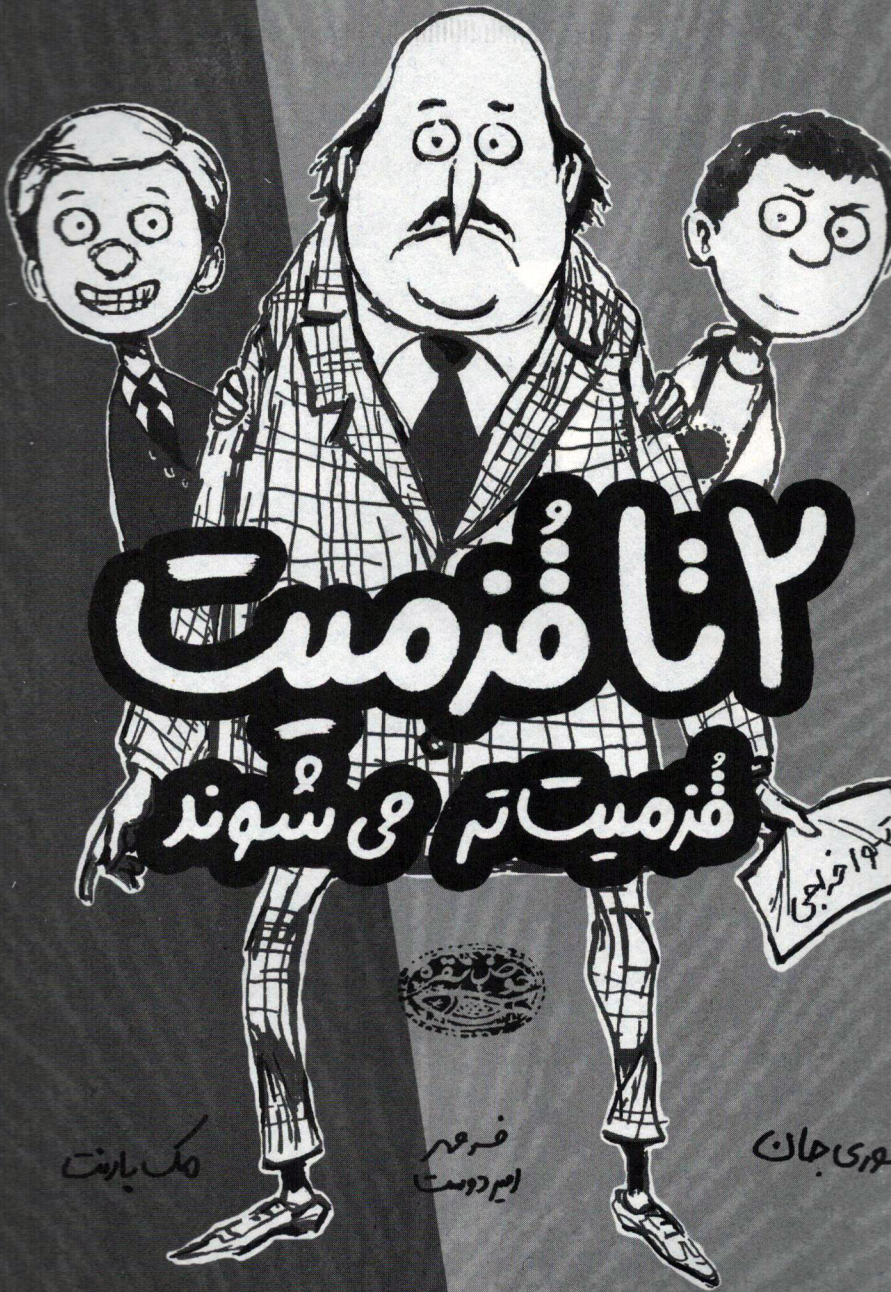


ادامی کتاب پر فرزندیں نیوورک ٹائمز



مک بارفٹ

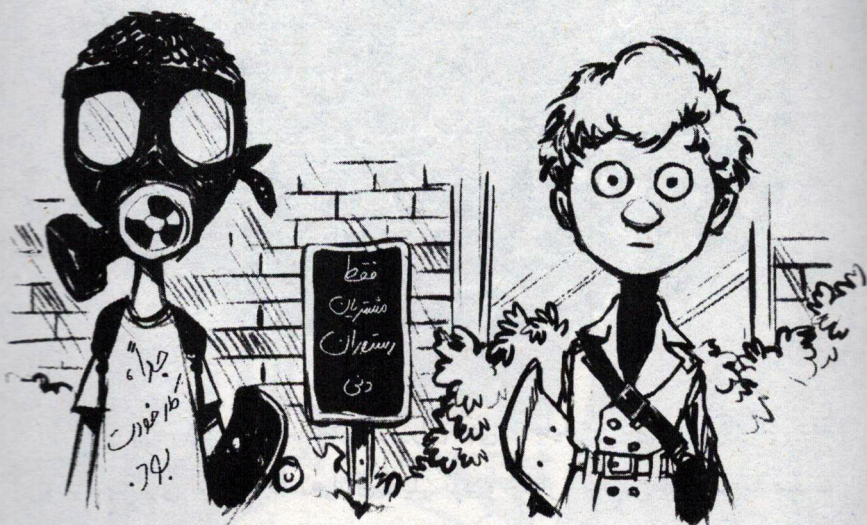
فرعہ  
ام دوست

عوی جان



## فصل ۱

به **دشت یانی**، تپه‌های سرسبز و گله گله گله گله گاوش خوش آمدید. علف‌ها سبزتر می‌شوند، تپه‌ها بالا و پایین می‌روند، گاوها ماغ می‌کشند. به کسی چه مربوط؟ خب، به این دو تا مربوط است.



این دو نفر، مایلز مورفی و نایلز اسپارکز هستند، تنها اعضای انجمن دو نفره‌ای که فقط و فقط خودشان به عنوان دو قزمیت آن را می‌شناسند. (مایلز آن یکی است که نقاب ضد گاز دارد.)



دوتا قزمیت یک‌جور انجمن مخفی است. دوتا قزمیت یک باشگاه حقه‌بازی است. و دقیقاً در همین روز، یک‌شنبه، مایلز و نایلز آماده بودند که جدیدترین حقه‌شان را به اجرا بگذارند.

روز قبل از امروز، شنبه، مایلز و نایلز فهرستی از وسایل مورد نیازشان تهیه کرده بودند:

**یک‌شنبه لازم می‌شود:**

تخته اسکیت	دو (۱)
گیره‌ی بند رخت	دو (۱)
قلم‌مو	دو (۲)
جفت دستکش پلاستیکی	دو (۲)
نقاب ضد‌گاز	دو (۲)

مطمئن شوید چرخ‌ها درست نصب شده

تمرین

نایلز پرسید: «نقاب ضد گاز برای چی؟» مایلز و نایلز در کارگاه حقه بودند، پستوی بزرگی که ته اتاق نایلز بود و چهار دیوارش از کف تا سقف با تخته‌سیاه پوشانده شده بود. دو قزمیت نقشه‌های‌شان را این‌جا طراحی می‌کردند.

نقشه‌ها را ببینید. جدول‌ها را ببینید. سبد بزرگ پر از جوراب سیاه را آن گوشه ببینید.

